

# مینیاتورهای ایران

درموزه بریتانیا

بازیل گوی

ده سال بود که موزه بریتانیا چنین نمایش باشکوهی از متون مصور فارسی و طرحهای ایرانی نداده بود. اکنون در سرسرای قسمت هنرهای شرقی موزه که اغلب به یکی از رشته‌های هنر نقاشی یا خطاطی آسیا تخصیص دارد این نمایشگاه دایرست و حتی کسانی را هم که با این مجموعه آشنائی دارند لذت می‌بخشد، زیرا ترتیب نمایش صفحات متن‌ها به نحوی است که بیننده می‌تواند به راحتی از شیوه‌های دیگر بگذرد. گرچه دوران ایلخانان را چند صفحه و يك متن بسیار مهم به خوبی معرفی می‌کند، معهذاً دوره‌ای که این بار هر بیننده را به تحسین وا می‌دارد دوران تیموری است.

صورت سرخان يك سفره چي كار : مير مصور

مهمترین قطعه این مجموعه نسخه منحصر به فرد و ممتاز اسکندرنامه نظامی است. آنچه این اثر را متمایز از دیگران ساخته اینست که در تمام تصاویر، به جز سه صفحه، دنباله نقاشی به حاشیه برده شده و نقاشی نه‌است. بدین وسیله موضوع را به وضوح تمام رسم کند این سفره جوئی فراوان در وسیله بیان مقصود همه چیز را به قوه تخیل بیننده واگذار کرده است. مثلاً در صفحه‌های تصویر دومرد و سر اسبی به جای يك سپاه و تنها شاخه درختی به جای باغی آورده شده است. این مجلد کوچک که ده‌ساعتی متر طول و هفت‌ساعتی متر عرض دارد ظاهراً برای یکی از افراد خانواده تیمور که از حامیان بزرگ هنر تذهیب و نقاشی کتاب در سالهای نخستین قرن نهم هجری و شاید در تمام طول تاریخ این شیوه بوده‌اند تهیه شده است.

در مینیاتورهای صد سال قبل از آن رعایت اصول مناظر و مرابا می‌شد و نسبت



فنائی تصویر اشخاص و اشیاء  
 طوری در نظر گرفته می شد  
 که صفحه کتاب از حالت دو  
 بعدی مسطح خارج می  
 گردید و در واقع تصاویر طبیعی  
 به نظر می رسید .

اما موضوع مینیاتورهای  
 این دوران پیچیده تر و متنوع  
 تر از آنست که در قالب يك  
 صفحه جای گیرد . تصاویری  
 که در این يك صفحه جامی  
 گیرد . فراوان است، در نتیجه  
 فقط کناره های صفحه برای



مینیاتور شاهنامه ای مصور

کشیدن منظره و زمینه تا بلو باقی می ماند . با وجود این تنگی جا نقاشان این دوره  
 تمام آنچه موسوم به مینیاتورهای طوماری بود و يك یا دو متر طول داشت در يك صفحه  
 می گنجاندند . در یکی از بزرگترین نسخ این مجموعه ، مثلاً شاهنامه Demotte  
 که فقط يك مینیاتور آن در موزه بریتانیا به نمایش گذارده شده است . یعنی مجلسی که  
 مرگ رستم و رخس را نشان می دهد . يك دریا اثر قهرمانی یا تاثر انگیز به وجود آمده است .  
 ایجاد چنین اثری در گذشته تنها در کتابهای بسیار بزرگ کتابخانه رشیدی در تزد یکی تبریز  
 که متعلق به رشیدالدین فضل الله وزیر و مورخ بزرگ ایرانی بوده و نسخه مزبور را نیز باید از  
 آن جمله دانست امکان پذیر بود .

بود. تا اینکه در دوران سلطنت  
 سلسله جلایری که در نیمه  
 دوم قرن هشتم هجری می  
 زیسته اند . مینیاتور سازان  
 کشف کردند که صفحه کتاب  
 را می توان به منزله در پیچهای  
 بکار برد که چشم از میان آن  
 به دنیا بشکورد و در عین حال  
 وحدت موضوع کتاب حفظ  
 شود .



موزه بریتانیا بسیار مقتخر است که توانسته است یکی از بزرگترین نسخه های این دوره را یعنی نسخه دیوان اشعار خواجه جوی کرمانی که در بغداد در سال ۷۷۵ هجری شمسی برای سلطان احمد جلایر نوشته شده است در اختیار داشته باشد. در این نسخه است که مناسبت بین تصویر متن به نحو اکمل حفظ شده است. در صفحه ای که به نمایش گذارده شده تاج گذاری نوشیروان زیر کبندی طلائی و آسمان کبود شب که تلو تلو ستارگان بچشم می خورد تصویر شده است. در اینجا مشاهده می شود که، طبق معمول، داخل و خارج ساختمان در یک صفحه نشان داده شده است. در صفحه دیگر همین نسخه مینیاتور دیگری نقاشی شده است که نبرد هما و همایون، عاشق و معشوق را که زیر خود ورزه از باز شناختن



**سنگوی نوشیروان و بوذرجمهر**

هم عاجزند نشان می دهد. منظره باشکوه طبیعت و کوه های سنگی به وضع نامرتبی به حاشیه ها کشیده شده، و پیرندگانی که در حاشیه خارجی رسم شده اند به آسمان باز جلوه ای خاص می دهند. بدین ترتیب منظره تا به افق کشیده می شود و خیال را تا آنجا که می خواهد می برد. در قرن نهم این روش عیناً مورد تقلید قرار نگرفت. اغلب درخت ها به آن طرف حاشیه مقرر برده می شد و گاهی سر آنها در بالای قسمتی از متن کتاب ظاهر می گردیدند. انگار که از پشت سر بر آورده باشند. به اسکندرنامه باز گردیم: در اینجا استفاده از قوه خیال بر مرحله بالاتری رسیده است یعنی موضوع مینیاتور چنان در دنبال متن آمده است که خواننده هیچ متوجه نمی شود که دنباله نقاشی به حاشیه برده شده است، چنان که قبلاً گفتیم این کار نظیر ندارد. لیکن استفاده از حاشیه برای کشیدن تصویر بسیار مکرر است و خاصیت آن اینست که به نقاش مجال می دهد که از فضای نسبتاً کمی حداکثر استفاده را بکند. در حقیقت شاید بتوان گفت که این نوع نقاشی دو اثر کاملاً متفاوت در بیننده ایجاد می کند: یکی اینکه به نظر می رسد که اشخاص نابلد و در حال خرد کنند و از صحنه خارج و یابه آن داخل می شوند؛ مانند تصویرهای قطعانی از شاهنامه مورخ ۷۷۴ که در نمایشگاه موجود است. دیگر آن که تمام موضوع داستان را با میزانهای بسیار کوچک در منظره کاملی که در حاشیه نقش شده جای می دهد. اولی ظاهراً بیشتر در آثار شیراز مشخص است و دوم در آثار هرات که مرکز بزرگترین

نوع رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ
نوع رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ
نوع رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ	سبک رنگ دوره موضوع تاریخ



تصویری از شاهنامه‌ای دیگر نمی‌شود.

استادان این هنر در آن زمان، یعنی عصر فرزندان شاهرخ و بایسنقر و محمد جوکی بوده است.

درموزه بریتانیا نسخه‌ای از شاهنامه که برای محمد جوکی مصور کرده‌اند موجود است که متعلق به انجمن سلطنتی آسیائی است. این نسخه در سال ۸۱۹ هجری تمام شده است. در همین سال بود که پدر سختگیر محمد دستور داد که نه تنها انبار شراب پسر عیاشش، بلکه هرچه شراب در شهر هرات به دست می‌آمد به کوچه بریزند. نحوه ترسیم این تصویرها که حرکت ماریچی دارد آغاز شیوه‌ای است که در زمان سلطان حسین بایقرا در پایتخت او هرات به تکامل و تعالی رسید. و در زمان همین پادشاه بود که این جنبه هنر ایرانی به دست استاد بزرگ میثیانور، بهزاد، به اوج رسید. دو نسخه‌ای که شامل آثار اوست در این نمایشگاه دیده

ظاهراً بهزاد به حدودی که برای مکتب هرات مقرر شده بود قانع بود و از آن پیروی می‌کرد، لیکن ترکیب‌هایی که او ابداع کرد ساختمانی مستحکم‌تر داشت و تسلط او به رنگ‌های بیشتر و دقیق‌تر از تمام معاصرین و پیشینیان او بود.

در میثیانورهای دوران سقوی وضع طور دیگری است و این تغییر در آثاری که در نمایشگاه گذارده شده است به خوبی مشهود است. به این معنی که تصویرها و میثیانورهای جداگانه‌ای مشخص هر قرن است. در این زمان خطوط اهمیت بیشتری می‌یابند و کشیدن شکل‌هایی برای منظره، مگر به قصد ایجاد زمینه، نمی‌گذارد. در میثیانور قرن شانزدهم رنگ هنوز به اهمیت خود باقی است و از نمونه‌های آن کارهای آقا رضا است که دو قطعه از آنها در این نمایشگاه موجود است: یکی غلامبچه‌ایست در لباس شنگرفی و دیگر شاهین‌بازی است در لباس سبز که هر دو در زمینه‌ای با گل و سنگک به خط طلائی که ابداع این دوران است رسم شده‌اند شاهکار این استاد «اسب و مهر پادشاه» است. در اوایل همین قرن اغلب نیم‌رخ اسب‌های اصیل را استادان این مکتب به نحو مطلوبی برای تزئین بنا می‌بردند و نمونه آن دو تابلویی است که از موضوعهای شاعرانه کشیده‌اند. شاید کم رنگ بودن این دو تابلو عمدی بوده است اما رضا با حفظ اثر شاعرانه خطوطی کلی، طرح ریزی داخلی را نگهداشته است که تأثیر واقع بینانه آنرا زیاد می‌کند.

آثار قرن بعد به مقایسه با آثار قبلی از حیث رنگ و خطاطی سنگین تر است کارهایی که از رضا عباسی و معین در نمایشگاه موجود است و هر دو امضای سازندگانشان را داراست به تمام رنگ ترسیم شده‌اند، اما تابلوهایی که بهتر معرف این قرن می‌باشند رنگ کشیده شده‌اند. نظمی که در خط نویسی بکار رفته به قلم که در این قرن جای قلم مو را گرفته بود چنان قدرت و استحکامی می‌بخشد که مثلاً يك خط منحنی هیکل مرد نشسته‌ای را دور زده با تشکیل انحنائی خاتمه می‌پذیرد. تابلوهایی از این قبیل متعلق به محمد اشرف و رضا عراقی می‌باشد.

البته انواع دیگری از نقاشی‌های دوره صفوی یافت می‌شود که بسیار عالی تنظیم شده‌اند. مثلاً نگارخانه سلطنتی شاه طهماسب در تصویر لباسهای رنگا رنگ به نهایت ترقی رسیده بود. نقاش دربار میرمصور، در این هنر سرآمد دیگران بود. یکی از آثار معدودی که امضای او را دارد طرح بزرگ مغبچه است. صورت این تصویر به دست متعصبی از میان برده شده‌است ولی نقاشی زیبایی و قدرت خود را علی‌رغم آن حفظ کرده است. این اثر را روی دیوار کنار نقاشی مشهور بزرگی به نام خانه تیمور که بر روی پارچه کشیده‌اند و در اثر پاره‌گی ناقص شده‌است آویزان کرده‌اند. مقایسه آنها با یکدیگر ارتباط سبک معمول مغولی را با سبکی که از آن منتهم شد و در دربار سلاطین مغل در هند معمول شد روشن می‌کند. شباهت حالت و انحنائی دو گانه و کامل تصویر به یقین اثبات می‌کند که این اثر کار یکی از شاگردان اوست و چه کسی بهتر از میر سید علی است که به احتمال زیاد پسر او بوده و پایه گذار مکتب نقاشی مغل هند شمرده شده است. تابلوی دومی که از همان منبع است دو درباری را نشان می‌دهد. این تابلو که روی ابریشم کشیده شده زمینه منظره‌ای دارد و از این حیث شبیه «خانه تیمور» است. و نیز از آثار اواسط این قرن دو روی جلد مطلا در نمایشگاه موجود است که در يك طرف آن مجلس حشن و سرور در زمینه مشکی و طرف دیگر منظره شکار بر زمینه طلائی رسم شده است.

ترجمه هوشنگ پیرنظر